

کتاب

فصل الخطاب

در

قباحت شراب

تألیف

حضرت آية الله حجة الاسلام آقاى

آسید حسین آقاعرب باغى

رعلى الله مقامه الشریف

فصل الخطاب

در

قباحت شراب

بسم الله الرحمن الرحيم وبه نستعين
الحمد لله رب العالمين والصلوة على محمد وآله الطاهرين
ولعنة الله على اعدائهم ابد الابدين

و بعد این مختصری است در وقاحت و بدعالت بودن شراب
خور، و در این چند فصل است:

فصل اول در ماهیت و موضوع آن است

و در کافی و تهذیب بسند خودشان از ابن حجاج روایت کرده
اند از امام جعفر صادق علیه السلام که حضرت رسول الله صلی الله علیه
و آله فرموده، که شراب مست کننده از پنج چیز میشود، از انگور
۱ و از مویز ۲ و از عسل ۳ و از جو ۴ و از خرما ۵.

و در کافی از حضری روایت نموده از امام زین العابدین علیه
السلام که فرمود شراب از پنج چیز می شود، از خرما - و مویز - و
گندم و جو، و عسل (یعنی بعد از انگور)

و در حدیث هاشمی مثل حدیث ازل است

و در تفسیر شیخ عیاشی از عامر بن سعد از آن حضرت روایت
کرده فرمود که شراب از شش چیز میشود، از خرما و مویز و گندم
و جو و عسل و ارزن

و احادیث در این معنی زیاد است، و در میان آنها منافات ندارد

زیرا که در هر حدیث محل ابتلاء راوی را بیان کرده اند، چنانکه در حدیث آخر شراب انگور را بیان نکرده، و شراب ارزن را ذکر نموده و در حدیث حضر می، و در حدیث اول شراب گندم را بیان نفرموده پس از این احادیث و امثال اینها هفت چیز معلوم شد که شراب از انگور و مویز و خرما و گندم و جو و عسل و ارزن باشد.

و بلکه شراب حرام مختص بر این هفت چیز نیست، زیرا که در احادیث بسیار وارد شده که هر مست کنند شراب و حرام است چنانکه در کافی و تهذیب از ابن یقین روایت کرده اند که امام موسی کاظم علیه السلام فرمود که خداوند حرام نکرده شراب را از جهت نام آن که شراب انگور است، ولیکن حرام کرده آن را از برای عاقبت آن که مست کننده بوده و هر چه عاقبت و خاصیت آن خاصیت شراب باشد، پس آن حرام است

و در کافی مثل این حدیث را بسند دیگر روایت کرده و در کتاب امالی طوسی بسند خود از نعمان ابن بشیر روایت نموده که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود ای جماعت مردمان، از انگور و مویز و خرما و جو، شراب می شود، و آگاه باشید که من نهی و منع میکنم از هر مست کننده

و در تفسیر قمی از ابو جارود، در آیه انما الخمر والمیسر حرام روایت کرده که امام محمد باقر (ع) فرمود که هر مست کننده شراب و حرام بوده، و آنچه اکثر آن شراب مست کننده باشد، پس اندک آن حرام است (تا آخر حدیث)

و مثل اینها زیاد است، و از همه اینها معلوم شد که هر مست کننده شراب و حرام است، از انگور باشد یا از غیر از آن

فصل دویم در اینکه شراب و مست کننده از اول زمان آدم ع حرام بوده

چنانکه در کافی از ابراهیم از امام جعفر صادق (ع) روایت کرده
در حدیث مفصل که فرمود، پس خداوند حرام کرد شراب و هر مست
کننده را بر اولاد آدم (تا آخر حدیث)
و از این معلوم شد که شراب در زمان اول بر ذریه آدم علیه السلام
حرام بوده

و نیز در کافی و تهذیب از یمانی روایت کرده اند، که امام جعفر صادق
(ع) فرمود، که خداوند هیچ پیغمبری را مبعوث نکرده مگر اینکه در
علم خداوند بود، که زمانی دین او را کامل نماید و در آن حرام بودن
شراب باشد، و همیشه شراب مست کننده حرام بوده، و دین هر پیغمبر با
تدریج کامل می شود، و اگر یکمرتبه بیان شود امت او از دین او فرار
میکنند.

و نیز در آن دو کتاب مثل این را از زراره روایت کرده اند از امام
محمد باقر (ع)

و نیز در آن دو کتاب از همان راوی از آن حضرت روایت کرده اند
که فرمود هیچ پیغمبری را خداوند مبعوث نکرده مگر اینکه در علم
خداوند این بوده که زمانی که دین او را کامل گرداند او در آن حرام
بودن شراب باشد، و همیشه شراب حرام بوده است، و امت پیغمبران بر
گردیده میشوند از خصلتی بر خصلت دیگر، و اگر جمیع خصلت های یکدفعه
بر ایشان بار شود، از دین بیرون می روند و دوباره آن حضرت فرمود که،
هیچکسی نیست که مهربان تر باشد بر دمان از خداوند، و از مهربانی او است

که نقل میکند آنها را از خصلتی بخصالت دیگر. و اگر حمل کند جمیع تکالیف را بکمرته بر آنها هلاک می شوند، (یعنی قبول نمیکنند، پس هلاک میگردند).

و از این ۳ حدیث معلوم شد که حرام بودن شراب در جمیع ادیان بوده و اگر کسی بگوید که در زمان اول حرام نبوده و بعد از نازل شدن قرآن حرام شد.

آن کس این همه احادیث را ندیده و از رای و هوای نفس چیزی گفته و دروغگو بوده

فصل سیم در حرام بودن شراب در آیات قرآن

و در کافی از ابن یقین روایت کرده که مهدی عباسی پدر هارون از امام موسی کاظم سؤال نمود از خوردن شراب که آیا آن حرام است در قرآن یا نه؟ و مردمان نهی را از قرآن میدانند، و حرام بودن آن را نمیدانند؟ آن حضرت فرمود بلی آن حرامست در کتاب خداوند، مهدی گفت در کدام آیه حرام شده؟

فرمود در آیه قل انما حرم ربی اللواتحش مظهر منها وما بطن والائم والبنی بغیر الحق

اما فرموده خداوند (مظهر منها) یعنی زنای آشکار، و نصب نمودن علامت که فاحشه ها علامت بلند میکردند در زمان جاهلیت و اما فرمایش: (وما بطن) یعنی تزویج کردن اولاد شخص، زن پدر خود را بعد از مردن او زیرا که بعد از بعثت رسول الله (ص) زمانی که از برای کسی زوجه میمانده بود بعد از وفات خود، آنرا پسر او تزویج میکرد. در صورتیکه مادر او نبود، و خداوند این را حرام کرد

واما الائم در این آیه پس آن خمر مست کننده است خاصة و خداوند در جای دیگر فرموده: *يسئلونك عن الخمر والميسر قل فيهما اثم كبير* پس اثم در قرآن مراد از آن شراب و قمار است و گناه آنها بزرگست چنانکه خداوند فرموده

پس مهدی گفت ای پسر یقین این فتوای هاشمی است، گفتم یا امیر المؤمنین الحمد لله که این علم را از شما اهل بیت بیرون نکرده و بکسی دیگر نداده، و مهدی صبر نکرد گفت راست گفتم ای رافضی و در این حدیث شریف اقرار نمود مهدی بر اینکه این تفسیر فقط فتوای اهل بیت رسول الله است، و دیگران نمیدانند باوجود بودن اواز اعراب و اهل لسان قرآن و ازادما و فصحای اهل حجاز. پس این آیه با تفسیر امام ع واضح شد در حرمت خمر و هر مست کننده.

و نیز در کانی روایت کرده که آن حضرت فرمود بدرستی که اول آنچه در حرمت خمر و هر مست کننده نازل شد آیه *يسئلونك عن الخمر والميسر قل فيهما اثم كبير* (تا آخر) بود، و چون این آیه نازل شد مردمان حس کردند حرام بودن آنرا و دانستند که اثم از آن چیزها است که سزاوار است اجتناب از آن، و از هر جهت خداوند تکلیف را بار نکرد بر ایشان زیرا که فرمود (ومنافع للناس) یعنی نفع خیالی است در آنها برای مردمان، و بعد از آن نازل فرمود *انما الخمر والميسر والانصاب والازلام رجس من عمل الشيطان فاجنبوه* و این آیه اشده است از آیه اول و اغلظت در حرمت شراب، و بعد از این آیه سیم نازل شد، و این آیه غلظت زیادتیر دارد از آیه اول

ودوم و فرمود:

انما يريد الشيطان ان يوقع بينكم العداوة والبغضاء في الخمر والميسر
(تا آخر)

پس امر فرمود خداوند بر اجتناب کردن از آنها، و تفسیر کرده علت حرمت شراب و قمار که از جهت آن حرام نموده آنها را، و بعد ازین واضح کرد حرمت مست کننده را، و کشف فرمود آنرا در آیه چهارم با وجود دلالت نمودن بر حرمت آن در آیات سابقه بفرمایش خودش

قل انما حرم ربی القواحش ما ظهر منها وما بطن والائم والبقي
بغير الحق (و فرمود در آیه اول) يستلونك عن الخمر والميسر قل فيهما
ائم كبير ومنافع للناس

و بعد ازین فرمود در آیه چهارم قل انما حرم ربی القواحش ما
ظهر منها وما بطن والائم والبقي بغير الحق

پس خداوند خبر داد که در خمر و غیر از آن اثم است و آن حرام است و بیان این مطلب اینست که خداوند زمانی که اراده فرماید که واجب گرداند چیزی را نازل میکند چیزی را بعد از چیزی، تا اینکه مردمان نفس خودشان را حاضر نمایند بامر خداوند، و بر تهی او در چیزی، و این نوع تکلیف از خداوند بروجه تدبیر است در تکلیف ایشان و اقرب بوده بر آنها در اخذ و عمل بر آن که از آن فرار نکنند.

پس در این حدیث بیان کرده حرمت شراب و قمار را خداوند در هر یکی ازین آیات که نازل شده و با وجود این مردمان باز حرمت آنها را ندانستند و محتاج شدند بر بیان امام ع.

فصل چهارم در اینکه قلیل شراب

مثل کثیرش حرام است

چنانکه در کافی و تهذیب از ابوالریبع روایت کرده اند که امام جعفر صادق (ع) فرمود که خداوند حرام کرد شراب مست کننده را، پس اندک آن مثل زیادتر آن حرام است، چنانکه حرام نمود میت را و خون و گوشت خوک را و حرام کرده رسول الله (ص) شراب را از هر مست کننده و آنچه آن حضرت حرام نموده پس خداوند حرام کرده

و در آن دو کتاب از ابن وهب روایت نموده اند که به حضرت صادق (ع) گفتم که کسی از پسران عم من و او از صلحاء دوستان شماست امر کرده بمن که از شما سؤال نمایم از نینذ و آن را وصف نمایم بر شما

آن حضرت فرمود من وصف میکنم آن را بر تو که رسول الله (ص) فرموده هر مست کننده حرام است و آنچه زیادتر آن مست کند پس اندک آن حرام بوده

گفتم اندک آن را حلال میکند آب زیادتر؟ فرمودند نه. حلال نمی کند.

و در کافی از کلب روایت نموده که از آن

حضرت سؤال کردم از نینذ؟ فرمود که رسول الله (ص) خطبه بیان کرد به مردمان و در آن فرمود که آگاه باشید که هر مست کننده حرام است، و آگاه باشید هر چه زیادتر آن مست کند، پس اندک آن نیز حرام است و نیز در آن دو کتاب از صفوان روایت کرده اند که مبتلا بودم بخوردن نینذ و خوش داشتم آن را، و گفتم بآن حضرت که من نینذ را

برای شما وصف نمایم ؟ فرمود بلکه من آنرا برای تو وصف میکنم ، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده هر مست کننده حرام ، و آنچه اکثر آن مست کند پس اندک آن حرامست (تا آخر) و ازین احادیث بسیار است و اکتفاشد بر اندک از کثیر آنها

فصل پنجم در بیان مدمن شراب است

و در کافی و تهذیب از شحام روایت کرده اند از امام جعفر صادق ع

که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که مدمن خمر ملاقات میکند با خداوند مثل بت پرست

و در آندو از ابن سنان روایت کرده اند که آنحضرت فرمود که رسول الله (ص) فرموده که مدمن شراب مست کننده ملاقات میکند بخداوند در حالت کفر

و در آندو از ابو بصیر روایت کرده اند از آنحضرت که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرموده که مدمن خمر مثل بت پرست است و زمانیکه وفات میکند در حالتیکه مدمنست ، بخداوند ملاقات میکند مثل ملاقات بت پرست

و در آندو در پنج حدیث روایت کرده اند در این معنی که امام محمد باقر (ع) و امام جعفر صادق (ع) فرمودند که مدمن خمر مثل بت پرست است

و نیز در آندو از ابو جارود روایت کرده اند که امام جعفر صادق (ع) فرمود که پدرم حدیث بیان کرد بمن و او از پدرش که رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمود که مدمن شراب مثل بت پرست است . گفتم مراد از مدمن کدام کسی است ؟ فرمود آن کسی بود که هر وقت

پیدا نماید بخورد.

و نیز در آندو از ابوبصیر و ابن ابوعفور روایت کرده اند که شنیدم از حضرت صادق (ع) که فرمود که مدمن شراب آنکس نبوده که هر روز شراب بخورد و لکن آنکس استکه خود را عانت بدهد که هر وقت یافته باشد بخورد.

و نیز در آندو از نعیم بصری روایت نموده اند که آنحضرت فرمود که مدمن شراب آنکس استکه زمانیکه پیدا نماید بخورد آنرا و درین احادیث معنای مدمن خمر معلوم گردید و عذاب او مثل بت پرست شده است.

فصل ششم در اینکه خوردن مست کننده سر

همه خطاکاری است

و در کافی از ابن بسار روایت کرده که از حضرت صادق ع سؤال کرد شخصی که آیا شراب خوردن بدتر است یا ترك نماز؟ فرمود خوردن شراب بدتر است، و بعد از آن فرمود آیه پیدانی چرا خوردن شراب بدتر بود؟ گفت نمی دانم!! فرمود زبراکه خورنده شراب درحالی می شود که خدای خود را در آنحال نمی شناسد:

و مثل این حدیث را در فقیه از ابن سالم روایت کرده

و در کافی از حلی و زراره و محمد بن مسلم و حمران از حضرت باقر ع و از حضرت صادق ع روایت کرده اند که فرمودند شراب سرهمه گناهانست

و در کافی از شعام از امام جعفر صادق ع روایت کرده که رسول الله

(ص) فرمود که خمر سر جمیع گناهان بود

و نیز در کافی از شحام از آنحضرت روایت کرده که فرمود خوردن شراب کلید همه شرها است، و مدمن آن مثل بت پرست است، و خمر سر هر گناه بوده و خورنده آن تکذیب میکند کتاب خداوند را، و هر گاه تصدیق بکند کتاب او را، حرام بداند حرام خداوند را و نیز در آن کتاب از ابن مسکان روایت کرده که آن حضرت فرمود که خداوند قرار داده از برای شر قفلهها و قرار داده کلید آن قفلها را شرابخوردن.

و در کافی از ابوالبلاد روایت کرده که آن حضرت فرمود که معصیه نشده بخداوند بچیزی که اشد باشد از خوردن شراب، و یکی از مردمان خورنده شراب نماز خود را ترك نماید، و بخواهر و مادر و دختر خود واقع میشود او امیداند

و در کافی از محمد بن حسین روایت کرده که بامیر المؤمنین گفتند که تو گمان میکنی که خوردن شراب اشد است از زنا و دزدی؟ فرمود بلی زیرا که زنا کننده بعمل زنا تجاوز نمیکند بر غیر از آن، و شراب خورنده زمانی که خورد زنا و دزدی و قتل نفس مینماید و نماز را ترك میکند.

و در کافی و فقیه از اسمعیل کاتب روایت کرده اند که حضرت باقر علیه السلام در مسجد الحرام بود و قومی از قریش بر او نظر نمودند، و گفتند که این امام اهل عراق است! و کسی را بفرستید ازو چیزی سؤال نماید، و بیک نفر جوان بن خدمت آن حضرت آمد و گفت ای پسر عم من بزرگ گناهان کبیره کدام است؟

فرمود خوردن شراب، و او رفت و بآن قوم خبر داد. گفتند برو بنزد او و باز سؤال کن او آمد و بلاز همان سؤال را کرد؛ آن حضرت

فرمود ای بسرعم آیا بر تو نگفتم که اکثر کبایر گناهان خوردن خمر است؛ و هر آینه خوردن شراب صاحب خود را داخل میکند بزنا و دزدی و قتل نفس حرام تو در شرك بخداوند، و افعال شراب خورنده بلندی می کنند بر هر گناه؛ چنانکه درخت انکور بلند میشود بر هر درخت

و از این احادیث بسیار است، و از اینها و از امثال اینها معلوم شد که شرب خمر بدترین و اشدترین گناهان است، و شراب مسکرات بزنان محارم خود در بعض اوقات طمع میکند، و چه قدر قبایح از شراب خورنده صادر شده، و چه مقدار از افعال شنیعه و اعمال رسواکننده از او سرزده، و این کارها از ارادل و اویاش و بدون حیا و بیشر فو بی غیرت و بی عرضه و بی ناموس واقع میشود.

فصل هفتم

در بدی عاقبت شراب خورنده

و در کافی از ابوالربیع روایت کرده که از حضرت صادق علیه السلام سؤال کردند از شراب؟ فرمود که رسول الله صلی الله علیه و آله فرموده، که خداوند مرا مبعوث کرده رحمة للمالین تا اینکه زایل نمایم اسباب لهو و لعب و مزار و امور جاهلیت و بتها و بت پرستی را، و خداوند قسم یاد کرده که کسی از بندگان او در دنیا شراب نخورد مگر اینکه بمقدار آن از حمیم دوزخ در قیامت باز بخورد، چه مذهب باشد، و با آمرزیده شود و هر که بیک صغیر و یا بنده خود شراب بدهد بقدر آن بر آن کس از حمیم جهنم در قیامت بر او خواهد داد، چه آمرزیده گردد و یا مذهب شود.

و در کافی و تهذیب از سدیدروایت نموده اند که امام محمد باقر

علیه السلام فرمود که شارب خمر در قیامت می آید در حالتی که روی او سیاه میشود، و زبانش از دهانش آویزان میگردد و آب دهان او بر سین او جاری گردد و بخداوند حق میشود که بخوراند بر او از چاه خبال دوزخ، که جمع میشود در آن چاه کثافت و ریم که از فروچرنا کنندگان است. و در آن دو از ابوصالح روایت کرده اند که بحضرت صادق علیه السلام گفتم که مولودی زائیده میشود، و بر او شراب میدهند؟ فرمود نه هر که بر طفل شراب بدهد خداوند باو میخوراند از حمیم دوزخ اگرچه آمرزیده شود.

و در کافی از ابن فضال روایت کرده که آنحضرت فرمود، که شارب خمر در قیامت می آید، روی سیاه و بیکطرفی، و زبانش از دهانش بیرون آمده و فریاد میکند العطش العطش:

و در کافی از یونس روایت کرده که آنحضرت فرمود، یا یونس برسان بر عطیه که هر که باک جرعه شراب بخورد، لعنت میکند بر او خداوند و ملائکه و انبیاء و مؤمنان، و اگر بخورد و مست شود، روح ایمان از او خارج میگردد، و سوار میشود بر ابرو حیث سفیف ملعونه «تا آخر حدیث»

و در این حدیث خداوند بر شارب خمر سرزنش می کند، و آنحضرت فرمود که سرزنش خداوند از عذاب هزار سال اشداست. و از امثال این احادیث بسیار است، و نقل همه آنها طول دارد، و مراد

حقیر در هر فصل اکتفاء بر اندک است

فصل هشتم در این که نماز شرابِ خمر قبول نمیشود

و در کافی و تهذیب از علاء روایت کرده‌اند که حضرت باقر فرمود که هر که شراب بخورد نماز او تا چهل روز قبول نمیشود .
و در آن دو از بجلی روایت کرده‌اند که حضرت صادق علیه السلام فرمود که نماز شرابِ خمر تا چهل روز قبول نیست .
و نیز در آن دو از ابن مختار روایت کرده‌اند که حضرت فرمود که هر که يك شربت شراب بخورد ، تا هفت روز نمازش قبول نیست و اگر مست شود تا چهل روز نمازش قبول نمی‌شود .

و در آن دو از ابن خالد روایت کرده‌اند که به حضرت امام موسی کاظم علیه السلام گفته که ما روایت میکنیم که رسول الله فرمود هر که شراب بخورد نماز او چهل روز قبول نمیشود ؛ فرمود زاری آن راست گفته ، گفتم چرا چهل روز قبول نشود نه زیاده‌تره کمتر ؟ فرمود از جهت اینکه خداوند مقدر کرده خلقت انسان را قرار داده او را نطفه چهل روز ، و بعد از آن قرار داده او را علقه چهل روز ، و بعد از آن قرار داده او را مضغه چهل روز اگر کسی شراب بخورد باقیماند شراب در بدن او چهل روز بقدر انتقال خلقت او ، و همچنین جمیع آنچه می‌خورد و می‌آشامد در بدن او چهل روز باقی میماند .

و در ققیه از فضیل روایت کرده که حضرت باقر علیه السلام فرمود هر که شراب بخورد و مست شود ، نمازش چهل روز قبول نمی‌شود ، و اگر نماز را ترك بکند در این ایام عذابش زیاده‌تر می‌شود ، از برای ترك نماز .

فصل نهم در این که حرام است زن

دادن بر شارب خمر

و در کافی از ابوالریع روایت کرده از حضرت صادق علیه السلام که رسول صلی الله علیه و آله فرمود که هر که شراب بخورد بعد از حرام کردن خداوند در زمان من، پس او اهلیت ندارد که باو زن بدهید، وقتی که خواستگاری نماید، و شفاعت ارجبول نمیشود اگر شفاعت کند، و سخن او تصدیق نمی گردد در وقت سخن گفتن، و خاطر جمع نمی شود بر امانتی (تا آخر حدیث).

و در کافی از ابن ابوعمیر روایت کرده از بعضی که آن حضرت فرمود، که رسول الله (ص) فرمود که شارب خمر عیادت نمیشود در مرض او، و بر جنازه او حاضر نمیشوند، و او را تزکیه نمی کنند در وقت شهادت دادن، و بر او زن ندهید در وقت خواستگاری نمودن، و او را بر چیزی امین نکنید.

و نیز در آن از علاء از بعضی اصحاب لزان حضرت روایت نموده که رسول الله صلی الله علیه و آله فرموده زمانیکه شارب خمر مریض شود عیادت نکنید، و اگر مرده باشد بر جنازه او حاضر نشوید، و اگر شهادت داد او را راستگو ندانید، و تصدیق ننمائید، و زمانی که خواستگاری نمود زن ندهید، اگر امانتی از شما بخواهد او را امین ندانید.

و مثل حدیث اول را در کافی و تهذیب از حماد روایت کرده اند، با زیاده تا اینکه فرموده که بنده خداوند در وسعت است از خداوند مادامی که شراب نخورده، و زمانی که شراب خورد، خداوند نپرده او را بر میدارد و دوست و برادر او شیطان و مردمان مثل شیطان میشود، و گوش و

چشم و دست و پای او او را میکشند بر هر ضلالت و باز میدارند او را از هر خیر و خوبی.

و در ققیه روایت کرده که حضرت صادق علیه السلام فرمود زمانی که شارب خمر مریض شد عیادت نکنید، و اگر مرده بجزازه او حاضر نشوید، و اگر شهادت به چیزی نمود او را راستگو ندانید و اگر خواستکاری کرد بر او زن ندهید، و هر که دختر خود را به او بدهد، گویا آن دختر را بزنا برده و داده، و کسی که دخترش را بر مخالف مذهب خود بدهد، آنکس رحم خود را قطع کرده، و هر که بر شارب خمر امانت بدهد و مال رد بکند ضمان آن بخداوند نخواهد بود و از امثال این احادیث بسیار است، و جمله از آنها را در اربعین و قواعد الاسلام و قانون الاسلام ذکر کرده‌ام و در این جا طول نمیدهم.

فصل دهم در اینکه مداوا کردن

باخمر حرام است

و در کافی و تهذیب از حلی روایت کرده اند که سؤال کردم از حضرت صادق علیه السلام از دواء که خمیر کرده اند آن را با شراب؟ فرمود نه، بخداوند سوگند من دوست ندارم که بر آن دواء نگاه کنم؛ پس چطور مداوا نمایم با آن؛ و آن دواء بمنزله گوشت خوک است، و بعضی مردمان با آن مداوا میکنند !!

و در کافی بسند دیگر از حلی روایت کرده که از آن حضرت سؤال کردند از دواء که آن را خمیر کرده اند با شراب؟ فرمود که من دوست ندارم که بر آن نظر نمایم تا چه رسد بر این که مداوا بکنم با آن و در هر دو کتاب از ابن عمار روایت کرده اند که کسی سؤال کرد

از آن حضرت از دوائیکه خمیر شده باخمر، آیا آن را بر چشم خودمان بکشیم؟ فرمود که خداوند شفا قرار نداده در آنچه حرام کرده است.

و در آن دو کتاب از ابن عیید روایت کرده‌اند. و او از کسی که آن حضرت فرمود، که هر که با میل از شراب بجشم خود کشد، با میل آتشین خداوند بر چشم او میکشد.

و این را در فقیه نیز نقل نموده.

و در کافی از حسن بن علی از پدرش روایت کرده که آنحضرت فرمود، هر گاه کسی يك میل شراب بجشم خود بکشد، حق میشود بخداوند اینک بر چشم او با میل آتش بکشد.

و در کافی از ابو بصیر روایت نمود. که مادر خالد بحضور آنحضرت وارد شد گفتم فدایت شوم در شکم من قرآتر پیدا شده و این را از مداوا کنندگان زنان سؤال نمودم؛ گفت اطباء عراق بمن وصف کردند نینذرا با سوبق، و من شناختمم کراهت شمارا از آن، و دوست داشتم که از شما سؤال نمایم، فرمود چه مانع شده بر تو از خوردن آن دواء؟ آن زن گفت من در دین خودم بر تو تقلید کردم، و ملاقات میکنم با خداوند در وقتیکه ملاقات نمایم.

و میگویم که امام جعفر بن محمد امر کرد و نهی نمود مرا، پس آن حضرت بمن فرمودای ابا محمد آیا میشنوی از این زن این مسائل را؟ نه بخداوند سوگند اذن نمیدهم بر تو بقطره بر آن، و نجشی از آن قطره را. و اگر بجشی از آن البته پشیمان میشوی زمانی که روح تو بر کلویت می‌رسد، و این را سه مرتبه فرمود آیا دانستی؟ آن زن گفت بلی، و بعد از آن فرمود، آنچه از نینذ يك میل را تر کند يك حب

آب را نجس میکند ، و این را سه مرتبه فرمود .

و در آن دو کتاب از ابن اذینه روایت کرده اند که نوشتم بآن حضرت و سؤال کردم از کسی که میفرستد از برای او دواء باد بواسیر و می خورد آن را بقدر چندلقمه از نیذ خشك شده واراده اولذت نیست و قصد او دواء نمودن است ؟

فرمود نه و يك جرعه نیز نمی شود ، و بعد از آن فرمود که خداوند قرار نداده در حرامها نه شفاء و نه دواء (و مثل این احادیث زیاد است .

فصل یازدهم در نجاست شراب است

و در تہذیب از ابن عمار روایت کرده که بحضرت صادق علیه السلام گفتم ظرفیکه در آن شراب میخورند چطور است ؟ فرمود آن را هفت مرتبه بشوید ، همچنین است سگ (تا اینکه فرمود) و نماز نگذارد در خانه که در آن مست کتند باشد ، زیرا که ملامتکه داخل نمی شوند بر آن خانه ، و نماز نگذارد در لباسی که بر آن شراب رسیده تا اینکه آن را بشوئی :

و این حدیث دلالت دارد بر نجاست شراب ، زیرا که آن را مثل سگ قرار داده ، و در فصل سابق در حدیث ابوبصیر ذکر شد که آن حضرت بمادر خالد فرمود ، آنچه از نیذ يك میل چشم را تر بکند ، يك حب آب را نجس میکند ، و این را سه مرتبه فرمود .

و در کافی و تہذیب از ابن حنظلہ روایت کرده اند که بآنحضرت گفتم ، چه میفرمایید در گاسه از شراب که آب بر آن میریزند تلاینگه مست کردن آن زایل شود ؟

فرمود نه بخداوند که يك قطره آن اگر بر يك حب آب افتاده باشد

باید آن حب آبرا بریزند .

و در آن دو از زکریابن آدم روایت کرده اند ، که از حضرت کانظم علیه السلام سؤال نمودم از قطره شراب که در يك ديگ که در آن گوشت زیادتر و آب گوشت زیاد داشته ؟ فرمود آبگوشت را بمد بزنند و یا اینکه آنرا بر اهل ذمه و یا بر سگها دهند ، و گوشت را میشوند و میخورند (تا اینکه راوی گفت) اگر بیک قطره شراب یابنید و یا خون بر خمیر واقع شد چطور است ؟ فرمود خمیر فاسد شود ، گفتم آن را بر بیهود و نصاری بفروشم و بگویم و آنها حلال میدانند این را ؟ فرمود بلی (تا آخر) .

و از امثال این احادیث در نجاست شراب زیاد است و در قواعد الاسلام و در درة بیضاء ذکر کردم و در این جا همه آنها را نقل نمیکنم از جهت طول کلام .

فصل دوازدهم در حرمت خوردن از مائده که در

آن شراب است

و در کافی و تهذیب از عمار روایت کرده اند که از حضرت صادق علیه السلام سؤال کردند از سفره که در آن شراب می خوردند ؟ فرمود آن مائده حرام است .

و سؤال شد که کسی ایستاده در نزد آن مائده و دیگران میخورند و با آن کس شراب بوده و هنوز بیکی نداده از آن کسانی که در آن سفره میباشد ؟ فرمود که خوردن از آن مائده حرام نیست تا شراب خورده شود (تا آخر) .

و در فقیه روایت کرده که آن حضرت فرمود هم مجلس نشوید با

اهل شراب و شارب خمر، زیرا که لعنت زمانیکه نازل میشود شامل بر همه اهل مجلس میشود.

و نیز در آن و در عیون از ابن شاذان روایت کرده که حضرت امام رضا میفرمود، زمانیکه سر انور امام حسین علیه السلام را بشام بردند، یزید لعین امر کرد که آن سر مطهر را گذاردند و مانده را نصب کردند و یزید و اعوان او میخوردند، و شراب میآشامیدند و زمانیکه فارغ شدند از آشامیدن، امر کرد آن لعین که آن سر اطهر را بر پشت گذاشتند در زیر تخت او و بساط رقعۀ شطرنج را نصب کردند و آن لعین مشغول شد بر بازی کردن شطرنج (تا اینکه فرمود که) او شراب میخورد در آن حال، پس هر که از شیعه ما باشد، باید از شراب و شطرنج اجتناب نماید هر که نظر بکند بشراب و بر شطرنج پس امام حسین را یاد آورد و بر آن لعین (یعنی یزید) لعنت نماید، و بر اولاد زیاد نیز لعن کند، و اگر چنین بکند خداوند محو میکند ذنوب او را هر چند که بعدد نجوم باشد.

و مثل این را در فقیه از عبدالسلام روایت کرده، و در آخر همان از پدرش نقل کرده که رسول الله صلی الله علیه و آله فرموده، که خداوند فرمود، پوشید لباس دشمنان دین را، و نخورید طعام آن ها را، و بسا روش آنها رفتار نکنید، پس شما مثل آنها می شوید: (یعنی در خوردن شراب، و بی بودن در مجلس شراب کساز دشمنان خداوند است و شما مثل آنها نباشید که مثل آنها می شوید).

فصل سیزدهم

در لعن چند نفر از جهت شراب

و در کافی و تهذیب از زید شهید از پدران خود روایت کرده اند که رسول الله صلی الله علیه و آله لعن کرده بر شراب و بر فشار دهنده انگورش: و بر آن کسیکه او گفته فشار بدهند: و بفروشنده و خریدار آن، و بر ساقی آن، و بخورنده آن، و خورنده ثمن آن، و بر حامل آن، و بر آن کسیکه برای او حمل میشود.

و در کافی و خصال و عقاب الاعمال روایت کرده اند از جابر از امام محمد باقر علیه السلام که رسول الله لعن کرده در شراب ده نفر را (۱) غرس کننده درخت آن (یعنی بقصد شراب) (۲) و بر حفظ کننده آن (۳) و بر فشار کننده آن (۴) و بر شارب آن (۵) و بر ساقی آن (۶) و بر حامل آن (۷) و بر آن کسیکه برای او حمل میشود (۸) و بر بایع آن و بر مشتری آن (۹) و به خورنده ثمن آن (۱۰).

و در قیة در حدیث مناهی از حسین بن زید از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که رسول الله فرمود که خداوند لعن کرده بر شراب و بر غرس کننده درخت آن، و بفشار دهنده آن و بر خورنده آن و بر ساقی آن و بر بایع آن و بر مشتری آن و بخورنده ثمن آن و به حامل آن و بر آن کسیکه برای او حمل میشود.

و در عقاب الاعمال روایت کرده که رسول الله فرمود، هر که شراب بخورد در دنیا سیراب میکند خداوند او را از زهرهای مارها و عقربهای دوزخ بکسرت که ریخته میشود گوشت روی او در آن ظرفی که در آن

همان زهر بوده قبل از خوردن آنزهرها، و زمانیکه خورد آن را باد میکند گوشت و پوست او مثل جیفه گندیده که در اذیت میشوند بسا و اهل محشر تا اینکه امر میشود بر او بدوزخ و خورنده و فشار دهنده و امر بفشار کننده آن در آتش دوزخ میشوند، و بایع و مشتری و حامل آن و آنکسی که برای او حمل میشود و خورنده نعم مساویند. در عار و گناه، آگاه باشید که هر که بفروشد و یا بخرد آنرا بغیر از خودش قبول نمیکند خداوند از او نماز و روزه و حج و عمره او را تا توبه نماید از آن. و اگر قبل از توبه بمیرد حق میشود بخداوند که بر او بچشاند بر هر جرعه از شراب که در دنیا خورده یک شربت از صدید، و ریم و کثافت دوزخ.

و در حدیث مناهی در فقیه رسول الله فرمود که هر که شراب بخورد قبول نمی کند خداوند از او نماز را تا چهل روز و اگر بمیرد در شکم او چیزی از آن مانده، حق میشود بخداوند اینکه او را سیراب بکند از طینت خبال و آن کثافات اهل دوزخ است و آنچه بیرون آید از فروج زنا کنندگان و آنها جمع میشود در دیکهای دوزخ پس آنها را اهل دوزخ میآشامند و آنچه در شکم آنها در پوست آنها ریخته شود و از این احادیث بسیار است.

فصل چهاردهم در حد شراب خمر

و در کافی و تهذیب از ابن عمار روایت کرده اند که سؤال کردم از حضرت صادق علیه السلام از کسی که یک شربت شراب بخورد، فرمود زده میشود بر او هشتاد تازیانه، و اندک و کثیر خمر حرام است. و در ارشاد شیخ مفید گفته که روایت کرده اند علما و اهل سنت و

شیعه که قدامت بن مظلوم شراب خورد، و عمر اراده نمود حد زدن را بر او، قدامت گفت حد بمن واجب نیست زیرا که خداوند فرموده
 لیس علی الذین آمنوا و عملوا الصالحات جناح فیما طعموا اذا
 ما اتقوا و آمنوا.

یعنی گناه نیست بر آن کسانی که ایمان آورده اند و عمل صالح کرده اند در آنچه خورده اند زمانیکه پرهیزکاری نمایند و ایمان بیاورند.

پس عمر حد را از او برداشت و این خیر بامیر المؤمنین رسید و بنزد عمر رفت، و فرمود که قدامت از اهل این آیه نیست و نه آنکسبکه برود براه او در مرتکب شدن بر آنچه خداوند حرام کرده، و آنکسانی ایمان آورده اند و عمل صالح کرده اند حلال نمیدانند حرام را پس رد بکن قدامت را و بر او توبه بدهی از آنچه گفته و اگر توبه کرد بر او بزن و اگر توبه نکرد بکش او را زیرا که او از ملت اسلام خارج است.

پس عمر از غفلت خود بیدار شد و قدامت نیز این خبر را دانست توبه نمود و برگردید و قتل از او دفع شد و عمر ندانست که چه طور بر او حد بزند و بامیر المؤمنین گفت اشاره بکن بمن کیفیت حد را، فرمود حد او هشتاد تازیانه است زیرا که شارب خمر بعد از خوردن مست می شود و بعد از آن هذیان میگوید و بعد از آن افترا میگوید، پس عمر بر او هشتاد تازیانه زد.

و این حدیث را صدوق در علل الشرایع و شیخ طوسی در تهذیب نیز روایت کرده اند.

و در کافی و تهذیب از زراره روایت کرده اند که امام محمد باقر ع فرمود که عید الله بن عمر شراب خورده بود، او را آوردند بنزد عمر او

امر کرد بر او حد بزنند، و کسی بزدن پسر عمر اقدام نکرد تا اینکه امیر المؤمنین (ع) ایستاد و در دست او چیزی بود که دو طرف داشت و با هر دو طرف آن چهل ضربه زد بر او.

و در کتب اربعه از اسحق روایت کرده اند که بامام جعفر صادق ۴ گفتم آیا زنا کردن اشد است و یا شراب خوردن؟ چطور در شراب خوردن هشتاد تازیانه شده و در زنا صد تازیانه؟

فرمود یا اسحق حد يك است ولكن در زنا زیاد تر شد از جهت اینکه زنا کننده نطفه خود را ضایع کرده و آنرا در جایی گذاشته که خدا امر نکرده بود.

و در خمال از محمد بن حنفیه از امیر المؤمنین (ع) روایت کرده که حضرت رسول (س) در شراب هشتاد تازیانه میزد

و در کافی و در تهذیب و علل الشرایع از ابوبصیر روایت کرده اند از امام محمد باقر علیه السلام که حضرت امیر المؤمنین ع هشتاد تازیانه میزد در خمر و نیند هر کسی که حر و آزاد بوده و یا یهودی و نصرانی میبود، گفت جهت حد زدن یهود و نصاری چه بود؟ فرمود برای آنها نبوده که ظاهر نمایند خوردن آنرا و این خوردن آنها شراب را در خانه خودشان است. و امثال این احادیث زیاد است که بر یهود و نصاری در شرب خمر در آشکارا حد زده میشود.

و نیز در آن دو کتاب از کنانی روایت کرده اند که امام جعفر صادق علیه السلام فرمود شراب خمر و شراب مست کتیده حد آنها یکی است و حد آنها واجب است.

و در آن دو کتاب از ابوبصیر روایت کرده اند در حدیثی که آن حضرت فرمود زنا کار و شراب خمر را عربان میکنند و تازیانه میزنند در

میان دو کتف آنها .

و اما حد قذف و دشنام دادن ، پس حد آن در مابین دو ضرب است (یعنی نه بسیار آهسته و نه سخت)

و در کتب اربعه از ابو مریم روایت کرده اند که امیر المؤمنین بر نجاشی هشتاد تازیانه حد زده از جهت خوردن شراب و امر فرمود بر جس او و فردا نیز بیست تازیانه زد و او گفت این بیست تازیانه برای چه بود ؟ فرمود برای اینکه تو در ماه رمضان خوردی .

و در کافی و تهذیب از ابن خالد روایت کرده اند از حضرت صادق علیه السلام که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود هر که شراب بخورد بر او تازیانه بزنید ، و اگر عود کرد باز بزنید و در مرتبه سوم او را بکشید .

و نیز در آن دو کتاب از ابوبصیر روایت کرده که آنحضرت فرمود زمانیکه کسی را بنزد رسول الله (ص) میآوردند که شرابخورده بود حد میزد و در مرتبه دوم نیز حد میزد و در مرتبه سوم گردن او را میزد ، و در آن دو از جمیل روایت کرده اند که آنحضرت فرمود شارب خمر زده میشود و در مرتبه دوم نیز زده میشود و در سیم کشته میگردد و در تهذیب از اصبح روایت کرده که حضرت امیر المؤمنین در منبر کوفه فرمود هر که شراب بخورد تازیانه بزنید ، و در مرتبه دوم نیز بزنید و در مرتبه سوم او را بکشید .

و نیز از مشرقی روایت کرده اند از آنحضرت که فرمود که امیر المؤمنین علیه السلام در اندک خوردن نیند تازیانه میزد چنانکه در اندک شراب میزد ، در هر یکی هشتاد تازیانه و در نیند در مرتبه سیم می کشت چنانکه در شراب میکشت .

و در آن دو از یونس روایت نموده اند، که حضرت کاظم علیه السلام فرمود که صاحبان گناه کبیره زمانیکه بر آنها حد اقامه گردد دو مرتبه در مرتبه سوم کشته میشوند.

و در کتب اربعه از حضرت صادق علیه السلام از پدرش روایت کرده اند که بنزد عمر، ابن مظعون را آوردند و او شراب خورده بود و یکی شهادت کرده بخوردن او و دیگری شهادت نموده برقی کردن او شراب را و عمر فرستاد بر چندی از اصحاب رسول الله (س) و در میان آن ها امیر المؤمنین بوده و بر آن بزرگوار گفت چه میفرمائی یا ابالحسن و تو آن کسی هستی که در حق تو رسول الله فرموده اعلم این امتی و بهترین قضاوت کننده با حق.

و این دو نفر در شهادت خودشان اختلاف کرده اند امیر المؤمنین فرمود که او شراب را قی نکرده مگر اینکه آن را خورده است (تا آخر حدیث).

و از امثال این احادیث بسیار است در این فصلها خصوصاً در کتاب مستدرک الوسائل که یک حدیث از آن نقل نکردم، و اگر شارب خمر غیرت و شرافت و انصاف داشته باشد، یک فصل کافی است و اگر در خانه کس است یک حرف بس است.

و تمام شد بدست ابن احقر فانی حسین بن نصر الله الموسوی در روز سوم از ماه دهم از سال سوم از عشره هفتم از صد چهارم از هزار دوم از هجرت رسول الله (س) والحمد لله وفرغ من استکتابه واستنساخه

من نسخة المصنف دام ظله محمود بن جعفر الموسوی

الزرنندی فی یوم السابع من صفر ۱۳۱۷. ناشر این کتاب

و سایر کتب آقای حاج مختار معینی تاجر رضایی